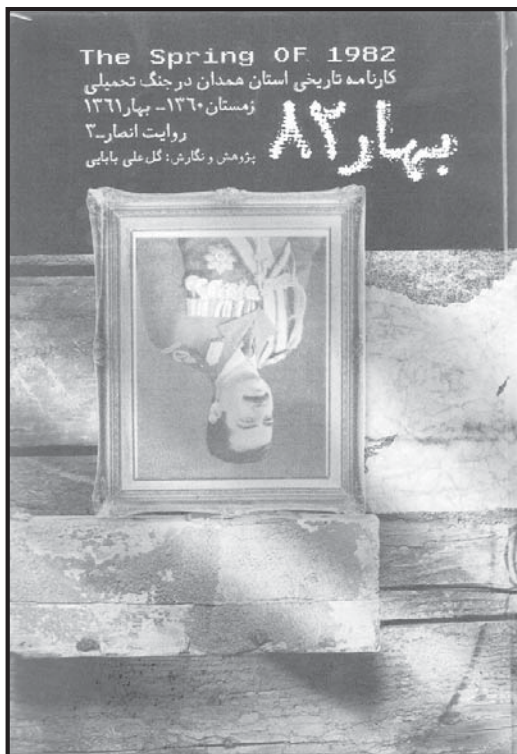


## بررسی و نقد کتاب

### گزارش نشست نقد کتاب بهار ۸۲

احسان حسینی نسب

پشتیبانی و هم نهادهای دیگر در این کتاب حضور دارند. این کتاب با پشتوانه و هم‌کاری آقای بهزاد نگاشته شده است و نقش ایشان در تدوین این کتاب بسیار مهم و حائز اهمیت است.



**نگارش کتاب بهار ۸۲ به صورت سلیقه‌ی انجام شد.** گل‌علی بابایی در جلسه‌ی نقد کتاب بهار ۸۲ که در ۳۱ خرداد ۱۳۹۱ در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس تشکیل شد، درباره‌ی اهداف خود از نگارش این کتاب و ساختار آن گفت:

«کتاب بهار ۸۲ در راستای استان‌نویسی نگاشته شد و سومین جلد از سلسله کتاب‌هایی است که در باره عملکرد استان همدان در جنگ تدوین شده است؛ جلد اول آن را بنده و حسین بهزاد نوشتیم و جلد دوم را آقای بهزاد قرار است بنویسند و جلد سوم هم همین کتاب بهار ۸۲ است. این کتاب تمام حوادثی که از پاییز ۱۳۶۰ تا پایان تابستان ۱۳۶۱ در همدان اتفاق افتاده است را در بر می‌گیرد. کتاب راوی‌محور است و تمام آنچه که در این کتاب نقل می‌شود، از راویان مشخصی است که نام و عنوان آن‌ها در ذیل مشخص گردیده است.

سعی شده است در این کتاب هیچ حادثه‌ی از قلم نیفتد و طبیعی است که در این کتاب، استان همدان در جنگ است نه گروه خاص یا نهاد خاصی. به این معنی که هم سپاه، هم بسیج، هم ارتش، هم پایگاه هوایی نوزده، هم جهاد سازندگی، هم ستادهای



نشست نقد و بررسی کتاب بهار ۸۲، تهران، ۱۳۹۱/۳/۳۱

## بهار ۸۲ اجرای تدبیر

### مقام معظم رهبری بود

بهار ۸۲ در حقیقت اجرای یکی از تدابیر مقام معظم رهبری بود، چرا که ایشان وقتی کتاب همپای صاعقه را مطالعه فرمودند و دست‌نوشته نیز بر آن نگاشتند، از این کتاب تقدیر فرمودند. بنده در دیداری که بعدها توفیق شد و با ایشان داشتم، تأکید بر آن داشتند که

این فعال فرهنگی و نویسنده‌ی عرصه‌ی دفاع مقدس همچنین تأکید کرد: «از چند سال پیش، از زمان حضور دکتر اردستانی در مرکز مطالعات، نقدهای کتاب‌های خودمان را شروع کرده‌ایم که موجب رشد و ارتقای کیفی کتاب‌هایمان شد.»

### نقاط قوت کتاب بهار ۸۲

به تصویر کشیدن فعالیت‌های استان همدان جای تقدیر و تشکر دارد، ضمن این که توانسته‌اند فعالیت‌های جهاد سازندگی، نیروی هوایی ارتش در عملیات بیت‌المقدس و همچنین فعالیت‌های نیروی زمینی ارتش که قدس ۳ در عملیات الی بیت‌المقدس بود را در این کتاب روایت کنند و همچنین به فعالیت‌های پشتیبانی که در سطح استان صورت گرفته است، اشاره شده است. تلاش دست‌اندرکاران برای دستیابی به منابع دست اول و همچنین استمرار این کار به عنوان یک کار دست اول فرهنگی جای تقدیر و تشکر دارد.

بهار ۸۲ هفده فصل دارد که به تبیین سه نبرد و چگونگی شکل‌گیری یگان ۲۷ اشاره شده است. در فصل یکم این کتاب نگاهی گذرا به عملیات

این نوع نوشتن را - لشکرنویسی- دیگر استان‌ها نیز باید جدی بگیرند. حتی در سفری که در اردیبهشت ماه به شیراز داشتند به فرماندهان سپاه گفتند لشکرهای دیگر سپاه هم بروند و کتابی مانند همپای صاعقه را بنویسند تا تاریخ آن استان ماندگار بماند. در راستای تدابیر ایشان مصمم شدیم این کار را ادامه بدهیم و از آن‌جا که آقای همدانی از فرماندهان لشکر ۲۷ بودند و در استان همدان هم نقشی محوری داشتند، به امر ایشان این دو کتاب تدوین شد.»

در ادامه‌ی این جلسه؛ امیر رزاق‌زاده یکی از منتقدان کتاب، سخنانی را در خصوص کتاب بهار ۸۲ یادآور شد. وی در این جلسه گفت:

«در نگارش این کتاب از منابع دست اول استفاده شده است. نقطه‌ی اتکای دوستان برای گردآوری، تنظیم و تدوین این کتاب، نوارهای صوتی‌بی بوده است که در اختیار ما قرار گرفت و این نوارها قاعدتاً نیاز به رمزگشایی دارند که یا باید با حضور راوی انجام شود یا با استناد به دفاتر و مدارکی که در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ وجود دارد، اما از آن‌جا که متأسفانه این کار انجام نشده است برخی از روایت‌ها به تصویر کشیده شده و به برخی از افراد استناد شده است.»

محتوای کتاب مطابقت دارد، چرا که سمنانی‌ها در عملیات مرصاد اولین گروهی بودند که با هجمه‌ی منافقین مقابله کردند و خط پدافندی در تنگه‌ی چارزبر تشکیل دادند، اما این‌جا نامی ملی به یک کتاب و یک استان تعلق گرفته و عملاً سهم سایر استان‌ها نادیده انگاشته شده است.

### روش تحقیق در این کتاب مشخص نیست

موضوع دیگر، روش تحقیق در این کتاب است. در ابتدای این کتاب هیچ اشاره‌ی به روش تحقیق نشده و اصلاً مشخص نیست که نگارنده به چه روشی این کتاب را تدوین کرده است. بخشی از

#### امیر رزاق‌زاده:

استنادات منابع و مآخذ بیش‌تر معطوف به چند نفر است و البته بخش دیگری از اسنادی که در این کتاب استفاده شده است، نوارهایی است که در اختیار مرکز مطالعات جنگ بوده و برای تدوین این کتاب در اختیار نگارنده قرار گرفته است؛ اما به هر روی در این کتاب نامی از مرکز مطالعات و تحقیقات برده نشده است.

منابع این کتاب با استفاده از فیش‌های استفاده نشده‌ی کتاب همپای صاعقه انجام شده و بخش دیگری نیز با استناد به یادداشت‌های شفاهی تدوین شده است. به هر حال در تاریخ شفاهی نیاز به روشی داریم که راستی‌آزمایی کنیم، اما این کار در کتاب بهار ۸۲ صورت نگرفته و با توجه به مطالب کتاب، روشن است که باید راستی‌آزمایی نسبت به مسائل مطروحه در خاطرات شفاهی صورت می‌گرفته است.

سومین شاخص این کتاب این است که باید پیرسیم منابع و مآخذ استفاده شده در این کتاب از چه اعتباری برخوردار است. استنادات این بخش بیش‌تر معطوف به چند نفر است و البته بخش دیگری از اسنادی که در این کتاب استفاده شده است، نوارهایی است که در اختیار مرکز مطالعات جنگ بوده و برای تدوین این کتاب در اختیار نگارنده قرار گرفته است؛ اما به هر روی در این کتاب نامی از مرکز مطالعات و تحقیقات برده نشده است.

مطلع‌الغجر شده است، در فصل دوم به دوران گذار و نحوه‌ی شکل‌گیری یگان‌ها، به ویژه تیپ ۲۷ سپاه اشارتی شده است، در فصل سوم تا انتهای فصل هفت به تشریح عملکرد نبرد فتح‌المبین پرداخته می‌شود، در فصل هشتم به رخدادهای غرب اشاره شده و در فصل‌های نهم تا انتهای فصل ۱۶ به تشریح عملیات الی بیت‌المقدس پرداخته گردیده است و در فصل هفدهم هم به رؤیاهای قصر شیرین می‌پردازد. ضمن این‌که در فصل ۷ و ۱۶ عملکرد نیروی هوایی ارتش در دو عملیات فتح‌مبین و الی بیت‌المقدس توجه گردیده است، ضمن این‌که باید تأکید کرد مطالب با ترتیب و توالی زمانی کار شده است و پیوند نگارنده در نگارش این کتاب با استان همدان حفظ شده است. هر کتابی باید طرح تحقیق داشته باشد که اصول این پرپزال یا طرح تحقیق بر سه رکن استوار است: رکن اول موضوع تحقیق است، رکن دوم روش تحقیق و سومین رکن منابع و مآخذ را در بر می‌گیرد. در خصوص موضوع تحقیق باید گفت این‌جا شامل دو نام می‌شود: کارنامه‌ی تاریخی استان همدان در جنگ تحمیلی است؛ اما عنوان کتاب بهار ۸۲ است. این مسئله، کتاب را دچار ابهام کرده است، چرا که این نام با محتوا هم‌خوان نیست و به نظر باید نام این کتاب کارنامه‌ی تاریخی عملکرد استان همدان در جنگ تحمیلی گذاشته می‌شد، چرا که عملکرد استان همدان در زمستان سال ۶۰ و بهار سال ۶۱ به تصویر کشیده شده است.

### چرا بهار ۸۲؟

اگر بهار ۸۲ را به این معنا در نظر بگیریم که این سال، سالی بوده است که صدام در آن سال در حال سقوط بوده است، باید تأکید کنیم در نیل به این مسئله، تنها استان همدان درگیر نبوده است، بلکه کل ایران درگیر این مسئله قرار داشته. استان سمنان برای عملیات مرصاد کتابی را با همین مضمون کار کرده‌اند به نام طلایه‌داران مرصاد. البته این نام با

### گفت‌وگوهای انجام شده در این کتاب کافی نیست

علاوه بر آن که به راوی یا مستندات برای تدوین و نگارش این کتاب اشاره نشده است؛ تحقیق صورت گرفته در این کتاب بیش تر به جای پژوهش و تحقیق، مورد تدوین قرار گرفته است. در هر پژوهش و تحقیق، مسئله‌ی اصلی وجود نوآوری در موضوع تحقیق است. با توجه به این که این مجموعه کتاب چهارگانه است، بهار ۸۲ چه پرسشی را قرار داده به مخاطب پاسخ دهد که کتاب همپای صاعقه را گسترش داده و در کتاب بهار ۸۲ تحت عملکرد استان همدان ارائه کرده است؟ در کتاب بهار ۸۲ آن‌طور که عنوان شده، عملکرد استان همدان در جنگ به تصویر کشیده شده است، اما در این کتاب هیچ مصاحبه‌ی با امام جمعه و نماینده‌ی حضرت امام در استان همدان ندیدم. در این کتاب عکس استنادار همدان وجود دارد، اما هیچ مصاحبه‌ی با ایشان انجام نگردیده است. به عنوان مثال استنادار همدان در آن زمان، باید در زمینه‌ی پشتیبانی‌ها، حمایت‌های صورت گرفته و... گفت‌وگوهای را با نگارنده‌ی این کتاب انجام می‌داد تا بر غنای کار افزوده شود. همچنین هیچ گفت‌وگویی با مسئولان بیت‌الزهرها که ستادهای پشتیبانی بوده‌اند نشده است.

بهار ۸۲ فاقد نقشه‌ی لازم است. نقشه‌های این کتاب بسیار اندک است و عکس‌های آن هم سیاه و سفید است و شناسنامه‌ی عکس‌ها هم ناقص است. به نظر می‌رسد این مجموعه عملکرد استان همدان در سال زمستان ۶۰ و بهار ۶۱ است. یعنی بهار ۶۰ و زمستان ۶۱ در این کتاب وجود ندارد؛ مجموعاً این کتاب نواقصی دارد که امیدواریم با تکمیل و رفع این ایرادها کارنامه‌ی کاملی از عملکرد استان همدان در دست‌رس مخاطبان قرار بگیرد.»

در ادامه نصرت‌الله محمودزاده نویسنده، فعال فرهنگی و عضو جهاد سازندگی در زمان جنگ تحمیلی نیز در سخنانی به نقد و بررسی کتاب

### در بهار ۸۲ تعریفی از «راوی» صورت نگرفته است

نکته‌ی که باید به آن اشاره کنم این است که هیچ‌گونه تعریفی از راوی در این کتاب صورت نگرفته است. ما راویانی داشته‌ایم که جزو متقدمین روایت‌گری بوده‌اند و افرادی هم وجود داشته‌اند که جزو متأخرین بوده‌اند. متأخرین کسانی بوده‌اند که بعد از جنگ کارهایی انجام داده‌اند که ارزشمند بوده، مانند شهید آوینی. اما راویان دیگری نیز در این کتاب معرفی شده‌اند به نام راویان معاصر. البته این مسئله مشخص نشده است که این افراد از کدام دسته از راویان بوده‌اند. این برای مخاطب ابهام ایجاد می‌کند که آیا افرادی که در

مناطق جنگی به تشریح وقایع می‌پردازند هم جزو همین دسته از راویان قرار دارند یا خیر. در جلد چهارم روزشمار به مبنای شروع و سرآغاز راوی‌گری اشاره شده است و تعریف راوی و حیطه‌ی کاری او مشخص شده است.

هدف از تشکیل مرکز مطالعات، تاریخ‌نگاری وقایع جنگ و جلوگیری از تحریف وقایع جنگ بوده است. به جز

کلام‌الله مجید، در تاریخ اسلام متون بسیاری دچار تحریف شده است. وقایع بسیاری از جمله حکومت امام علی<sup>(ع)</sup> و حادثه‌ی عاشورا هم دچار تحریف شده‌اند. روایانی که در قرن پنجم هجری روایاتی داشته‌اند یا اگر روایانی در خود صحنه حضور داشته‌اند و مشاهدات خود را یادداشت کرده‌اند، این روایات قابل اعتنا بوده است. اما بعد از آن، از قرن پنجم تا دوره‌ی تیموریان مطالب عمدتاً دچار تحریف می‌شود و بعد از آن هم در دوره‌ی صفویه و قاجاریه که تحریف به اوج خود می‌رسد، اصل نهضت دچار اشکال می‌شود.

### نصرت‌الله محمودزاده:

کتاب بهار ۸۲ در بررسی تاریخ جنگ در استان همدان ما را به سمت خاطراتی می‌کشد که بسیار جذاب است و این مسائل آن‌قدر جذابیت دارد که خود نویسنده هم فراموش کرده است تا به جای اول خود بازگردد و درباره‌ی همدان کتاب را ادامه دهد. این جذابیت باعث شده است تا در تحقیقات از بسیاری از عوامل تعیین کننده در استان همدان غافل شویم



از چپ: سردار جزایری (معاون دفاعی و فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح)، سردار فضلی (جانشین سازمان بسیج)، دکتر اردستانی (مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس)، حسین بهزاد (نویسنده) - تهران، سالن همایش، ۱۳۹۱/۳/۳۱

پرداخت. وی در این جلسه گفت:

«ما در خوانش کتاب بهار ۸۲ باید بپذیریم کتابی را می‌خوانیم که درباره‌ی کارنامه‌ی تاریخی استان همدان نگاشته شده است. نویسنده تأکید دارد این کتاب؛ تاریخ حضور استان همدان در جنگ تحمیلی است. مسئله‌ی دیگر این است که ما خواسته‌ایم

می‌دهند. یا مسئله‌ی دیگر آن است که در آغاز جنگ بسیج را نداشتیم. کدام پایگاه‌ها بوده‌اند که به سپاه نیرو می‌داده‌اند؟ به نظر ما باید در این خصوص به سراغ جهاد سازندگی مستقر در روستاها می‌رفتند، اما می‌بینیم در این کتاب فقط به گزارش‌های بایگانی شده در خبرگزاری جمهوری اسلامی اکتفا شده است.

#### غفلت از فعالان اصلی جنگ در همدان

در جایی شهید بروجردی به بچه‌های همدان دستور می‌دهد که در منطقه‌ی مطیع الفجر کار کنند. در کتاب روی خیلی از این موارد کار شده است، اما هیچ اثری از این بچه‌ها که به دستور شهید بروجردی بر روی آن منطقه کار کردند نمی‌بینیم. در حالی که شهید بروجردی تأکید می‌کند که ارتش و سپاه هر دو با این بچه‌ها کار می‌کردند. یا مثلاً در این کتاب وزیر آموزش و پرورش درباره‌ی شهیدی از همدان صحبت می‌کند، اما در واقع هیچ اطلاعی از فعالیت‌های آن شهید داده نمی‌شود؛ چرا که شهدای همدان نقش اصلی را در

در نگارش این کتاب کارنامه‌ی تاریخی بنویسیم؛ نه تاریخ شفاهی.

کتاب بهار ۸۲ در بررسی تاریخ جنگ در استان همدان ما را به سمت خاطراتی می‌کشد که بسیار جذاب است و این مسائل آنقدر جذابیت دارد که خود نویسنده هم فراموش کرده است تا به جای اول خود بازگردد و درباره‌ی همدان کتاب را ادامه دهد. این جذابیت باعث شده است تا در تحقیقات از بسیاری از عوامل تعیین کننده در استان همدان غافل شویم. به عنوان مثال از جهاد همدان در نگارش این کتاب بسیار غفلت شده است؛ این نشان می‌دهد فضای جمعی از همدانی‌های لشکر ۲۷ در نویسندگان کتاب بسیار تأثیرگذار بوده است. اگر در این کتاب گفت‌وگوهایی با چند تن از خلبانان نوزده صورت می‌گرفت آیا زیبایی این کتاب به هم می‌خورد؟

کتاب ادعا می‌کند نطفه‌ی لشکر انصارالحسین<sup>(ع)</sup> در منطقه‌ی انصارالحسین بسته می‌شود؛ اما غافل از آن شده است که چه کسانی این لشکر را شکل



از راست: نصرت‌الله محمودزاده (نویسنده و منتقد)، امیر رزاق‌زاده (نویسنده و منتقد)، حسن دری (دبیر جلسه)، گلعلی بابایی (نویسنده و پژوهش‌گر)؛ تهران، ۱۳۹۱/۳/۳۱

این کتاب دارند نه وزیر آموزش و پرورش وقت. در واقع ما باید در تاریخ همدان به این بچه‌ها توجه می‌کردیم.

مسئله‌ی دیگر این است که وقتی در کتاب بهار ۸۲ وارد عملیات فتح‌المبین می‌شویم، می‌بینیم ۲۵ درصد از کتاب را عملیات فتح‌المبین به خود اختصاص داده است. اما در این که از

#### بهار ۸۲ کتاب استان همدان نیست

بهار ۸۲ ناخودآگاه به سمت بچه‌هایی به رهبری شهید شهبازی و شهید همدانی رفته است. فکر می‌کنم این کتاب نمی‌تواند کتاب استان همدان باشد. به بخش‌های بسیار مهمی از نیروهای استان همدان ظلم شده است. مخاطب این انتقاد من، بیش از آن‌که نویسنده‌ی کتاب باشد مسئولان هستند؛ چرا که اگر جلو این روند کتاب‌سازی را نگیرند بعداً با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهیم شد. یکی دیگر از مشکلات این کتاب این است که به خاطره‌گویی بیش از حد پرداخته است. آیا ما در تاریخ‌نویسی می‌توانیم عین مصاحبه را واو به واو پیاده کنیم؟ در مواردی نیاز داریم بخشی از مصاحبه شخصی را در بیاوریم و درباره‌ی آن بخش با سه نفر دیگر هم صحبت کنیم تا جنبه‌ی اصالت آن رعایت شود، اما آیا می‌توانیم تمام مسائل را که در مقابل مسئله‌ی اصلی داستان تأثیری هم ندارد ذکر کنیم؟ از سوی دیگر می‌بینیم از شخصی به نام حجت‌الاسلام جوادی به عنوان شورای مرکزی در حد یک نیم صفحه از سخن‌رانی

این ۲۵ درصد چقدر مختص استان همدان است ما دچار اشتباه می‌شویم. ایراد دیگر این کتاب آن است که حتی حساب بچه‌های همدان از حساب بچه‌های تهران جدا نمی‌شود و تأثیر بچه‌های همدان در تیپ حضرت رسول (ص) مشخص نمی‌شود و شما با مطالعه‌ی کتاب نمی‌توانید به این پی ببرید که کدام گردان از بچه‌های همدان هستند و کدام افراد از شهرهای دیگر حضور دارند.

به همین خاطر است که متوجه می‌شویم ۲۵ درصد از این کتاب در مورد عملیات فتح‌المبین است، اما همین بچه‌های همدان که در مهران یا جبهه‌های دیگر به عنوان عقبه‌ی فتح‌المبین حضور دارند اصلاً دیده نمی‌شوند و نهایتاً از آن‌ها به چند مصاحبه‌ی تکراری و بدون مشخصات اکتفا می‌شود. یعنی بخشی از کتاب بسیار قوی است و بخش دیگری بسیار ضعیف و گذرا است. به همین دلیل اگر ۷۰ درصد کتاب را در بخش فتح‌المبین حذف کنیم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. همین موضوع در عملیات بیت‌المقدس هم وجود دارد.

آرشیو ۹/۳ درصد، مصاحبه‌ی اختصاصی که قرار است در این کتاب کار شود، حدود ۶/۷ درصد بوده و حدود ۱۴/۵ تا ۱۵ درصد از این کتاب را عکس به خود اختصاص داده است.

### کتاب‌های تاریخی باید دست‌اول باشند

اولین ویژگی کتاب تاریخ آن است که کتاب تاریخی باید تولید کننده‌ی دست‌اول باشد. با این ویژگی‌ها آیا می‌توانیم بگوییم این کتاب جزو تولید کننده‌های دست‌اول در تاریخ بوده است؟ در نگارش کتاب تاریخی باید دقت کرد که ظهور اتفاق جدیدی صورت بگیرد، نه صفحات و مطالبی که پیش از این منتشر شده

است، مونتاژ گردند. به همین خاطر ردپای شخص محقق و نویسنده در این کتاب باید بسیار پررنگ می‌شد.

گل‌علی بابایی نویسنده‌ی کتاب در ادامه‌ی جلسه‌ی نقد و بررسی کتاب بهار ۸۲ در خصوص موارد مطرح شده درباره‌ی این کتاب توضیحاتی داد. وی گفت:

#### گل‌علی بابایی:

بهار ۸۲؛ خزان صدام بود

«روند تحقیق و نگارش این کتاب به نوعی کاری ابداعی بود و ما در تدوین این کتاب هیچ الگویی نداشتیم تا از آن مشق بگیریم. بعضی از ایرادهایی که مرقوم شده است، سلیقه‌ی است و بر اساس الگوی صحیحی صورت نگرفته است

### بهار ۸۲؛ خزان صدام بود

«روند تحقیق و نگارش این کتاب به نوعی کاری ابداعی بود و ما در تدوین این کتاب هیچ الگویی نداشتیم تا از آن مشق بگیریم. بعضی از ایرادهایی که مرقوم شده است، سلیقه‌ی است و بر اساس الگوی صحیحی صورت نگرفته است. در خصوص نام کتاب باید تأکید کرد اولین کتابی که برای بچه‌های همدان نوشتیم نام آن را از الوند تا قلاویز گذاشتیم؛ برای کتاب دوم که همین کتاب بهار ۸۲ بود، نظر دوستان، این بود که نام این کتاب را بگذاریم از قلاویز تا خین؛ ولی این پیشنهادها به

وی در نماز جمعه روایت می‌شود؛ اساساً غیر ممکن است این آدم حرفی برای گفتن نداشته باشد و اختصاص نیم صفحه به این فرد بسیار عجیب است. در بخش‌هایی از این کتاب بیش از حد به خاطرات شخصی توجه شده است. این روند را وقتی دنبال می‌کنیم، متوجه می‌شویم نگارنده همدان را رها کرده و در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس غرق شده است. از مجموعه‌ی ۷۰۰-۸۰۰ صفحه‌یی که درباره‌ی این کتاب نوشته شده است، به نظر من شاید حدود ۲۰۰ صفحه مربوط به همدان است. به این دلیل که می‌دانیم در صحنه‌های دیگری از جنگ همدان نقش‌آفرین بوده است.

### اسم کتاب باید به خاطرات بچه‌های همدان در

#### فتح‌المبین و بیت‌المقدس تغییر می‌کرد

اگر اسم این کتاب را بگذاریم خاطرات بعضی از بچه‌های همدان در فتح‌المبین و بیت‌المقدس خیلی بی‌راه نگفتیم. البته این بچه‌ها در این دو عملیات خیلی فعال بوده‌اند، اما محقق باید به مسئله‌ی اصلی این کتاب که بررسی کارنامه‌ی استان همدان در زمان جنگ بوده، باز می‌گشته است. نگارنده در بهار ۸۲ بسیار به بخش‌های دیگری به جز همدان پرداخته است. مثلاً در جایی که می‌خواهد از نوژه بگوید، نصف صفحه در آن خصوص صحبت کرده و ده صفحه درباره‌ی کل ارتش صحبت می‌کند. این گونه نوشتن اصلاً فایده ندارد.

نگارنده در بخش‌هایی از این کتاب بسیار خوب به توصیف منطقه می‌پردازد و در جای دیگری در همین کتاب اصلاً فراموش می‌کند که این بچه‌ها به کجا رفته‌اند. این تضادی بسیار آشکار در کتاب است که باید حتماً تکلیف آن روشن شود. طبیعی است که بیان این مسائل در کتاب‌های تاریخی جایگاه ویژه‌ی دارد.

بهار ۸۲ بیش از حد تحت تأثیر مهتاب خین بوده است. ۱۵ تا ۲۰ درصد از کتاب، از کتاب مهتاب خین تشکیل شده است. ۹/۳ درصد از سایر کتب،



نصرت‌الله محمودزاده (نویسنده و منتقد)؛ تهران، ۱۳۹۱/۳/۳۱

دلیل کلیشه‌یی بودن پذیرفته نشد، نهایتاً به دلیل اتفاقاتی که در بهار ۱۹۸۲ افتاد و منجر به وقایعی شد که صدام مجبور شد اعترافات صریحی مبنی بر شکست خود کند، نام این کتاب به بهار ۸۲ تغییر کرد؛ اما به هر روی قطعاً تمام رزمندگان کشور در این مسئله تأثیرگذار بوده‌اند.

#### اصلاً تعریفی از راوی وجود ندارد

تعریفی از راوی صورت نگرفته است. ما اطلاعاتی از مفهوم راوی نداریم و اصلاً بعضی از همین راویان شناخته شده نیستند. اگر از راویان اطلاعات بیشتری در دست بود، حتماً از آن‌ها هم کمک‌های دیگری دریافت می‌شد. شکاف اطلاعاتی در این کتاب وجود دارد که البته علت آن باز می‌گردد به منابعی که استان باید در اختیار ما قرار می‌داد؛ اصلاً قرار نبود ما مصاحبه‌یی اختصاصی با کسی داشته باشیم. قرار بود تمام داشته‌های ما در این خصوص، همان جلسات بازخوانی‌یی باشد که به صورت مکتوب به ما ارائه شده بود. به ما گفته بودند این جلسات بازخوانی بسیار کامل است و تمام اطلاعات لازم برای هر عملیات در این مکتوبات وجود دارد؛ اما متأسفانه امکان استفاده از این اطلاعات فراهم نشد.

#### علت تأکید بیش‌تر بر خاطره در بهار ۸۲

اما در خصوص آن‌که گفته شده است در این کتاب به خاطره خیلی توجه شده است، به آن خاطر بوده که

در خصوص روش تحقیق باید بگویم روش تحقیق ما توصیفی و با اتکا به منابع اسنادی و آرشیوی و تحقیقات دیگر است. استان همدان اولین استانی بود که چیزی را به اسم بازخوانی عملیات‌ها ابداع کرد. این افراد به صورت هفتگی جلساتی را در حفظ آثار همدان برگزار می‌کردند و در آن جلسه همه‌ی افراد استان از استاندار، امام جمعه، نماینده‌ی مجلس، وکیل و ... صحبت می‌کردند. وقتی قرار شد ما این کتاب را بنویسیم اندازه‌ی یک بار وانت از این مکتوبات داده شد. البته به این جلسات اشکالاتی وارد بود و آن این بود که این جلسات هدایت نمی‌شد و صحبت‌های مطرح شده ابتدا و انتها نداشت. نهایتاً صحبت‌هایی که می‌خواستیم از آن‌ها اطلاعات استخراج کنیم تا کتابم را تکمیل کنم، بسیار ناقص بود. ما مجموعاً توانستیم در گفت‌وگو با چند نفر از افراد محوری، اطلاعاتی که در کتاب کار شده است را استفاده کنیم. کوشیدم جاهایی که فکر می‌کردم بخش‌های کچلی و کمبود کار است را در گفت‌وگو با این افراد پوشش دهم.



### نگارش بهار ۸۲ سلیقه‌ی بود

نگارش این کتاب سلیقه‌ی بوده است و ما هیچ‌گویی در نگارش این کتاب نداشتیم. لذا مطمئناً بر این کتاب نقایصی وارد است، اما به هر روی کوشیده‌ایم کم‌فروشی نکنیم و از تمام داشته‌ها استفاده کردیم تا کتابی در خور عظمت کار همدانی‌ها فراهم کرده باشیم.

در خصوص پرداختن به پایگاه نوژه در این کتاب باید تأکید کنم این پایگاه برای قرار دادن حتی

یک مدرک یا معرفی یک نفر برای گفت‌وگو به هیچ وجه با ما همکاری نکرد. آنچه هم که در این کتاب در خصوص پایگاه شهید نوژه آمده، دریافت ما از پایگاه‌های اینترنتی است و ما هیچ هم‌کاری‌یی از این پایگاه ندیدیم. اما در پادگان ابوذر هم‌کاری‌های بسیاری با ما انجام شد و من توانستم ساعت‌ها در آن‌جا به گفت‌وگو

بپردازم. در خصوص نقدی که بر کمبود نقشه بر این کتاب وارد کردند نیز باید بگویم ما برای دریافت نقشه تلاش‌های بسیاری کردیم؛ در خصوص عکس‌هایی که در این کتاب کار شده نیز باید عنوان کنم بسیاری از عکس‌های کار شده در این کتاب به واسطه‌ی ارتباطاتی که با بعضی از دوستان داشتیم به ما رسید، اما بعد از مدتی دیدیم کتابی تحت عنوان حماسه اروند منتشر شده که مجموعه عکس‌هایی بود و طبیعتاً این عکس‌ها می‌توانست خیلی به ما کمک کند.»

این روش تا کنون جواب مثبت داده است. ما در این کتاب نمی‌خواستیم صرفاً به مسائل نظامی بپردازیم و کتابی نظامی را به مخاطب تحویل دهیم. بسیاری از کتاب‌های نظامی که به صورت آکادمیک چاپ شده، در کنج کتاب‌خانه‌ها خاک می‌خورد. کتابی که مخاطب را جذب کند باید جاذبه‌هایی داشته باشد، ضمن این‌که ما الگوی مناسبی برای این نوع از کتاب‌ها نداریم. ما با سه هزار نفری که از همدان به جبهه‌ها اعزام شدند نمی‌توانیم صحبت کنیم، باید با تعدادی از افراد شاخصی که می‌توانستند در این حوزه کارنامه‌ی عملکرد و حضور همدان در جنگ را بررسی کنند، گفت‌وگو می‌کردیم. بارها در پی گفت‌وگو با این افراد بودم و در همدان با آن‌ها گفت‌وگو کردم؛ یا یکی از دوستان در جهاد استان همدان بارها با ما برای گفت‌وگو و مصاحبه قرار گذاشت اما به هیچ وجه این مجال پیش نیامد تا با او گفت‌وگو کنیم.

ما سعی کرده‌ایم مخاطب را ضمن آن‌که در میدان عملیات، در فتح‌المبین و دلاوری‌های بچه‌های همدان در این عملیات نگاه داریم، او را در فصل بعدی به استان همدان ببریم و به او بگوییم در استان همدان در همان زمان چه می‌گذشت. این نقش استان را نشان می‌دهد و ما به غیر از این راهی نداشتیم تا نشان بدهیم در استان همدان چه می‌گذرد. ما خبرهایی که هیچ تردیدی در صحت و سقم آن‌ها نبوده است را به عنوان یکی از منابع آرشیوی قرار داده و به این ترتیب استان همدان را برای خواننده‌ی خود ترسیم کرده‌ایم. به نظرم جامعه‌شناس‌ها می‌توانند با مراجعه به این کتاب و گریزی که در لابه‌لای فصل‌های مختلف کتاب به جامعه می‌زنیم، مطالعات جامعه‌شناسانه انجام دهند. چرا که جنگ ما، جنگی مردمی بود. مردمی که در شهر شهید خود را تشییع می‌کردند و از سوی دیگر در جبهه حضور داشتند و در جای دیگری ارزاق برای آنان می‌فرستادند و در صفوف اعزام نیرو ایستاده بودند تا به جبهه‌ها اعزام شوند.

#### گلعلی بابایی:

اصلاً تعریفی از راوی وجود ندارد تعریفی از راوی صورت نگرفته است. ما اطلاعاتی از مفهوم راوی نداریم و اصلاً بعضی از همین راویان شناخته شده نیستند. اگر از راویان اطلاعات بیشتری در دست بود، حتماً از آن‌ها هم کمک‌های دیگری دریافت می‌شد